او با چمدان آرزوهایش به زندان رفت

اقدامش جاهلانه بود یا از روی عمد، پسر جوان تمام آرزوها و رؤیاهایش را با خود پشت میله های زندان برد. او تنها ۲۲ سال داشت و مدت زمان زیادی از پایان دوران خدمت سربازی اش نمی گذشت.

پدر تمام دارایی خود و خانواده را به پول نقد تبدیل کرده بود تا پسر بیکارش در دام اهریمن اعتیاد و افیون نیفتد. او می خواست پسر جوانش به تجارت بپردازد. دارایی اش مختصر بود ولی برای آغاز کاری شرافتمندانه کفایت می کرد.

وقتی همه دارایی اش را به دلار تبدیل کرد، پسر لبخند بر لب بلیت سفر به تایوان را با شادی و شعف به خانواده نشان داد. او عشق پرواز با هواپیما را در سر نمی پروراند چون تا آن زمان حتی فرودگاه را از نزدیک به تماشا ننشسته بود. رؤیاهای بسیاری برای زندگی آینده خود و پدرومادر پیرش داشت. انگار همه سدها را پشت سر گذاشته و سوار بر اسب مراد به سوی آینده ای خوب می تاخت.

تصورش بر این بود که با این پول می تواند دست به سفر تجاری بزند. پدر چشم انتظار بازگشت او از سفر بود ولی سفرش بسیار کوتاه تر از آنی شد که فکر می کرد.

«علی نریمانی» اکنون ۳۳ سال دارد، ۱۱ سال از ماجرای توقیف اموالش در فرودگاه می گذرد. می گوید: روز هفتم بهمن ماه سال ۷۴ بود. وقتی به همراه برادرم به فرودگاه مهرآباد رفته بودیم تا از آنجا به کشور تایوان سفر کنیم ناگهان تمام برنامه هایم به هم ریخت. من تازه از خدمت سربازی آمده بودم. در آن شور و حال جوانی به فکر تجارت و واردکردن اجناسی مثل چسب نواری دو طرفه و شیرسنگ افتادم. حرفه خودم به این وسایل ربط داشت. تمام پس انداز قبل و بعد از سربازی ام را تبدیل به دلار کردم. قصدم سفر به تایوان بود. خوشحال و خندان از تمام اعضای خانواده خداحافظی کردیم. چمدان هایمان را بستیم و با برادرم به فرودگاه رفتیم. در قسمت بازرسی چمدان ها مأمور داشت وسایل ما را بازرسی می کرد ولی نگاه بهت زده و متعجب دیگری در چمدان و لباس های من نبود. مأمور مرا به اتاق نگهبانی برد. من تصور می کردم همه اینها از تشریفات قبل از پرواز است. او شروع به نوشتن کرد من در دل خوشحال بودم که چند دقیقه دیگر این مقررات دست و پاگیر تمام شده و شرایط برای سفر من مهیا می شود. تازه هوش و حواسم سرجایش آمد. یعنی چه شده بود که باید برای من صورتجلسه می نوشتند. کم کم دلشوره جای خوشحالی را گرفت. ترس بر جانم رخنه کرد. آخر من از همان اول آدم بدشانسی بودم. پرسیدم مگر چه شده؟ چرا صورتجلسه! یعنی من نمی توانم به سفر بروم. ناراحت شده بودم که باید بلیت را کنسل می کردم و مبلغی از پول بلیت به همین دلیل بازگردانده نمی شد.

در این هنگام مأمور جوان به پول ها که حدود ۳۰ هزاردلار بود اشاره کرد و گفت اینها قاچاق است و شما هم یک قاچاقچی محسوب شده و حق خروج نداری.

اطمینان پیدا کردم که مقداری از پولی که برای بلیت ها پرداخته بودم، از بین رفته است. آهی کشیده و رو به مأمور جوان کردم به او گفتم حالا که اجازه ندارم به خارج از کشور بروم پس چاره ای ندارم. پول هایم را پس بدهید تا به خانه ام برگردم. مأموران مستقر در فرودگاه با شنیدن صحبت هایم به خنده افتادند.

یکی از آنها گفت: باید تا زمان روشن شدن وضعیتم در بازداشت بمانم. چون کارم غیرقانونی بوده است.

وحشت از بازداشت و زندان باعث شد عرق سردی بر تمام اندامم جاری شود. مستأصل شده بودم با خواهش و تمنا خواستم مرا رها کنند ولی آنها گفتند تابع قانون هستند. این در حالی بود که من تا آن زمان از چنین قانونی بی اطلاع بودم و بعد از رفتن به زندان فهمیدم که ۸ ماه قبل قانون قاچاق ارز به تصویب رسیده است.

مجبور بودم با شرایط به وجود آمده کنار بیایم به امید آنکه در دادگاه قاضی دادگاه را مجاب به پذیرش حرف هایم بکنم.

در حالی پرونده مرا به دادگاه می بردند که هنوز آگاهی از اینکه چه جرمی را مرتکب شده بودم نداشتم. آخر چگونه در کشور خودم مال و اموال خود و خانواده ام را می توانستند قاچاق بنامند.

شب را در بازداشتگاه گذراندم با هزاران امید و آرزو که با دمیدن سپیده صبح همه چیز پایان خواهد یافت. روز بعد با مأمور دیگری مرا به بانک مرکزی فرستادند. آن چیزی را که می دیدم نمی توانستم باور کنم. حاصل یک عمر کار و تلاش و زحمت شبانه روزی خودم و پدرم به خزانه دولت ریخته می شد بی آنکه کسی حرف هایم را گوش کند یا درد دل مرا بپذیرد. از عصبانیت آن روز تا عصر فکرها و خیالات زیادی به سرم زد و همه آنها را با یادآوری صحبت هایی که از برادر شهیدم به یاد داشتم به فراموشی سپردم.

روز بعد مرا به دادگاه انقلاب اسلامی بردند، یک هفته را در بازداشت ماندم تا اینکه قاضی پرونده مرا خواست. وارد شعبه دوم بازپرسی شدم. قاضی پشت میز نشسته بود. من تنها تا آن روز در فیلم ها و سریال های تلویزیونی چنین صحنه هایی را دیده بودم و حالا خودم بازیگر یکی از سریال های زندگیم شده بودم. وقتی قاضی نام مرا صدا زد، از ترس نزدیک بود قالب تهی کنم. او هم از رنگ چهره ام فهمید. در نهایت حکم خود را به این شرح صادر کرد:

در اجرای قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی توسط بانک مرکزی مبلغ ۳۰ هزار و چهارصد دلار از چمدان متهم کشف شده است و معادل دو برابر ارز مکشوفه به غیر از ارز مجاز همراه مسافر به مبلغ ۱۷ میلیون و ۴۰ هزار تومان جریمه تعیین و تقاضای تعقیب نامبردگان را به علت استنکاف از پرداخت جریمه می نماید.

براساس این رأی «علی نریمانی» که ۲۸ هزار و ۴۰۰ دلار به صورت قاچاق همراه داشت، مستند به ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق به ۶ ماه حبس و ضبط مبلغ ۲۸۴۰۰ دلار قاچاق و پرداخت دو برابر ارز قاچاق محکوم می شود. ولی محکومیت ۶ ماه حبس وی با توجه به وضعیت خاص او به مدت ۲ سال تعلیق می شود.

***

براساس این حکم چون دلارهای موجود به همراه برادرم کم بود او را تبرئه کردند. قاضی دادگاه در حالی محکومیت ۶ ماه حبس مرا به صورت تعلیق درآورد که به خاطر عدم توانایی از پرداخت جریمه ۱۷ میلیون تومانی باید به زندان می رفتم و اینگونه بود که به مدت ۳۰ ماه از بهترین دوران زندگیم را در پشت میله های زندان تنها به جرم ناآگاهی از یک قانون گذراندم.

کاش تمام مشکلات به همین جا ختم می شد ولی پس از آزادی ام چون توانایی بازپرداخت بدهی های پدرم را نداشتم او هم بدهکار از دنیا رفت. تنها ۴ ماه بعد از مرگ پدر، مادرم نیز به او پیوست و من تنهاتر از همیشه چشم به کرم مقامهای مسئول داشتم. روزها از پی هم می گذشت. من پس از نوشتن شرح حالم به هر مقام مسئولی که فکر می کردم مراجعه کردم. هر بار آنها تنها به تکان دادن سر و اظهارتأسف اکتفا می کردند در حالی که با هزاران تأسف خوردن حتی یک گره از مشکلات من باز نمی شد.

حالا هم چشم امیدم به لطف ریاست محترم قوه قضاییه است. امیدوارم با چاپ دردل های من در روزنامه از این طریق بتوانم حرف هایم را به آقای هاشمی شاهرودی بگویم. بگویم که دست نیاز و فریادخواهی به سویتان دراز می کنم و خود را مستوجب عفو و بخشش و رحمت حضرتعالی می دانم. امید دارم که پس از سال ها سرگردانی و از دست رفتن جوانی ام تفقدی نموده و دارایی ام را برگردانید.

تسهیلات بی نظیر
از ۰ تا ۱۷ درصد

طرح فروش فوق العاده

ایران خودرو دیزل

کامیونهای LK ۱۹۲۴ و LK۲۶۲۴

در راستای سیاست دولت خدمت گزار برای نوسازی و توسعه ناوگان حمل و نقل کشور و پیرو تقاضای گسترده برای خرید کامیون های کمپرسی LK ۱۹۲۴ و LK۲۶۲۴ ، شرکت ایران خودرو دیزل فروش فوق العاده کامیون های مذکور را با شرایط متنوع،تسهیلات جدید و استثنایی آغاز نمود. متقاضیان محترم می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام به دفاتر مرکزی فروش و یا نمایندگی های فروش در سراسر کشور مراجعه نمایند.

مدارک مورد نیاز برای ثبت نام:

الف - برای اشخاص حقیقی:
۱ - فیش بانکی به مبلغ تعیین شده به حساب سپهر شماره ۰۲۰۰۳۴۲۰۰۸۰۰۴ به نام شرکت ایران خودرو دیزل نزد بانک صادرات ایران شعبه دانشگاه صنعتی شریف کد شعبه ۱۶۵۲
(درج نام خریدار به عنوان پرداخت کننده در فیش بانکی الزامی است)
۲- فتوکپی شناسنامه و فتوکپی فیش واریز وجه
۳- ارائه کد شناسایی ملی و کد پستی

ب - برای اشخاص حقوقی (علاوه بر مدارک بند فوق):
۱ - فتو کپی آگهی تاسیس
۲ - فتوکپی آخرین روزنامه رسمی

سایر شرایط:
۱- زمان تحویل: یکماه پس از تکمیل مالی (با اولویت ثبت نام)
۲- اعطای تسهیلات لیزینگ مشروط به احراز شرایط در خریدار می باشد.
۳- در صورت تکمیل ظرفیت ، شرکت حق توقف ثبت نام را بدون درج اطلاعیه در جراید برای خود محفوظ می دارد.

بدون سود

الف)شرایط فروش با تسهیلات لیزینگ (مبلغ به ریال)

ردیف	شاسی کامیون کمپرسی	قیمت (با ۳٪ عوارض قانونی)	روش فروش	مبلغ پرداختی توسط متقاضی: در زمان ثبت نام	مبلغ پرداختی توسط متقاضی: در زمان تحویل	تسهیلات لیزینگ: مبلغ	تسهیلات لیزینگ: نرخ سالیانه و مدت بازپرداخت	باقیمانده بهای خودرو به صورت چک (تحویل در زمان تکمیل مالی)
۱	LK ۲۶۲۴	۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰	روش اول	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۱٪ (۳۶ ماهه)	۵ فقره چک ۱۸/۰۰۰/۰۰۰ ریالی به سررسید ۲ الی ۱۰ ماهه
			روش دوم	۹۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۶۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۱٪ (۶۰ ماهه)	
			روش سوم	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۷۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۱٪ (۸۴ ماهه)	
۲	LK۱۹۲۴	۷۳۵/۰۰۰/۰۰۰	روش اول	۹۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۴۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۱٪ (۳۶ ماهه)	۵ فقره چک ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریالی به سررسید ۲ الی ۱۰ ماهه
			روش دوم	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۱٪ (۶۰ ماهه)	
			روش سوم	۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۱٪ (۸۴ ماهه)	

ب)شرایط فروش اقساطی با تسهیلات شرکت ایران خودرو دیزل(بدون سود) (مبلغ به ریال)

ردیف	شاسی کامیون کمپرسی	قیمت (با ۳٪ عوارض قانونی)	مبلغ پرداختی توسط متقاضی (در زمان ثبت نام)	باقیمانده بهای خودرو به صورت چک (تحویل در زمان تکمیل مالی)
۱	LK ۲۶۲۴	۸۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۴۳۵/۰۰۰/۰۰۰	۱۲ فقره چک ۳۶/۲۵۰/۰۰۰ ریالی به سررسید ۱ الی ۱۲ ماهه
۲	LK۱۹۲۴	۷۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲ فقره چک ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریالی به سررسید ۱ الی ۱۲ ماهه

● بابت وصول چک های مذکور، ارائه سفته و معرفی ضامن الزامی است.

دفتر مرکزی فروش:
تهران ،میدان آزادی ، خیابان آزادی ، بعد از دانشگاه صنعتی شریف ،نبش کوچه شهید حبیب زادگان ، پلاک ۱

اطلاعات فروش: تلفن ۶۶۰۵۲۵۸۱-۸۰ دورنگار ۶۶۰۵۰۲۳۰